

یادداشت سردبیر مجموعه

در این گفته ویتگنشتاین که حل یک مسئله فلسفی حل همه مسائل فلسفی است نکته مهمی نهفته است. مسائل فلسفی از توصیفی تا تجویزی وابستگی زنجیره‌واری به هم دارند. اما با پیشرفت دانش، هر موضوع فلسفی چنان گسترشی یافته است که به تخصصی تبدیل شده است و فهم آن اهلیت خاصی می‌طلبد. دلیل پیدایش فلسفه‌های به‌اصطلاح مضاف همین است.

با توجه به علاقه روزافزون دانشجویان به فلسفه و تعدد گروه‌های فلسفه در دانشگاهها و اصولاً علاقه عموم به مسائل فلسفی و کمبود متنهای معتبر، بر آن شدیم تا مجموعه‌ای فراهم آوریم که خواننده را با مبانی موضوعات فلسفه تحلیلی، با بیانی روشن و مآخذی معتبر، آشنا کند.

نویسندگان این مجموعه که از استادان فلسفه هستند بر مبنای مطالعات و تجربه‌ی سالها تدریس در دانشگاه و دوره‌های عمومی، برای نخستین بار متنهایی فراهم آورده‌اند با معیار دقت، وضوح و استدلال که ویژگی بارز فلسفه تحلیلی است. این متنها در اساس برای دانشجویان سال چهارم کارشناسی و سال اول کارشناسی ارشد تهیه شده است، هرچند علاقه‌مندان به فلسفه نیز می‌توانند از آنها بهره‌برند. این مجموعه در حال حاضر شامل فلسفه علم،

معرفت‌شناسی، فلسفه ذهن و فلسفه زبان است. امیدواریم که بتوانیم برای موضوعهای دیگر نیز چنین متنهایی فراهم آوریم. در پایان، سردبیر به همراه نویسندگان این مجموعه از آقای مهندس لطف‌الله ساغروانی، مدیر انتشارات هرمس، که بدون کمک و یاری او این مجموعه به سامان نمی‌رسید تشکر می‌کنند.

ضیاء موحد

فهرست

۱	مقدمه
۳	فصل اول: چشم‌اندازها و پرسشهای فلسفه ذهن
۳	۱-۱ فلسفه ذهن
۷	۲-۱ معیار ذهنیت
۸	۱-۲-۱ متعلق بی‌واسطه معرفت بودن
۹	۲-۲-۱ بی‌مکان بودن
۱۰	۳-۲-۱ التفاتی بودن
۱۵	۴-۲-۱ خودآگاهانه بودن
۱۷	۳-۱ ذهن و دو تلقی از آن
۲۱	منابعی برای مطالعه بیشتر
۲۳	فصل دوم: ذهن و بدن
۲۳	۱-۲ دوگانه‌انگاری
۲۶	۱-۱-۲ جهان دکارتی
۲۷	۲-۱-۲ دوگانه‌انگاری جوهری: دیدگاهی شهودی
۲۸	۳-۱-۲ استدلالهایی در دفاع از دوگانه‌انگاری
۲۹	۱-۳-۱-۲ حالات ذهنی در مقابل حالات مغزی
۳۰	۲-۳-۱-۲ حیث التفاتی
۳۲	۳-۳-۱-۲ استدلال تصویرپذیری
۳۳	۴-۳-۱-۲ استدلال تقسیم‌ناپذیری
۳۵	۴-۱-۲ استدلالی علیه دوگانه‌انگاری
۳۸	۲-۲ موازات‌گرایی
۴۰	۳-۲ شبه‌پدیدارگرایی

۴۳	۴-۲ حذف‌گرایی
۴۶	۵-۲ تقلیل‌گرایی
۴۷	۶-۲ رفتارگرایی
۴۷	۱-۶-۲ ذهن و رفتار
۵۶	۲-۶-۲ رفتارگرایی منطقی
۵۹	۳-۶-۲ مزایای رفتارگرایی
۶۰	۴-۶-۲ مشکلات رفتارگرایی
۶۲	۷-۲ نظریه این‌همانی
۶۲	۱-۷-۲ ذهن و مغز
۶۶	۲-۷-۲ این‌همانی نوعی
۶۷	۳-۷-۲ مزایای این‌همانی نوعی
۶۸	۴-۷-۲ این‌همانی و تقلیل‌گرایی
۶۹	۵-۷-۲ مشکلات این‌همانی نوعی
۷۲	۶-۷-۲ این‌همانی مصداقی
۷۳	۸-۲ کارکردگرایی
۷۴	۱-۸-۲ تحقق‌پذیری چندگانه
۷۸	۲-۸-۲ مفهوم تابع در ریاضیات، ماشین تورینگ و ...
۸۳	۳-۸-۲ ایده اصلی کارکردگرایی
۸۶	۴-۸-۲ کارکردگرایی علی
۸۹	۵-۸-۲ کارکردگرایی پیشرفته: اصالت فیزیک، ...
۹۱	۶-۸-۲ نقدی بر کارکردگرایی: مغز ملت چین
۹۳	منابعی برای مطالعه بیشتر
۹۵	فصل سوم: آگاهی
۹۵	۱-۳ آگاهی و انواع آن
۱۰۱	۲-۳ آگاهی‌پذیری
۱۰۲	۳-۳ استدلال معرفت
۱۰۵	۴-۳ پاسخ به استدلال معرفت
۱۰۶	۵-۳ آگاهی و شکاف تبیینی
۱۰۷	۶-۳ استدلال مرده متحرک (زامبی)
۱۱۰	منابعی برای مطالعه بیشتر

۱۱۱	فصل چهارم: هویت شخصی
۱۱۵	۱-۴ ملاک بدن
۱۱۶	۲-۴ ملاک مغز
۱۱۸	۳-۴ ملاک فیزیکی
۱۲۱	۴-۴ انتقاداتی علیه ملاک فیزیکی
۱۲۴	۵-۴ ملاک حافظه
۱۲۷	۶-۴ ملاک پیوستگی روان‌شناختی
۱۲۸	۷-۴ دو انتقاد به ملاک پیوستگی روان‌شناختی
۱۳۲	۸-۴ پاسخ طرفداران ملاک پیوستگی روان‌شناختی
۱۳۴	۹-۴ هویت شخصی به مثابه امری بسیط
۱۳۵	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۳۷	فصل پنجم: حیث التفاتی و محتوای حالات ذهنی
۱۳۷	۱-۵ تعریف و صورت‌بندی حالات التفاتی
۱۴۰	۲-۵ خصلت‌های حالات التفاتی
۱۴۴	۳-۵ نظریه‌های محتوا
۱۴۴	۱-۳-۵ نظریه تفسیری
۱۴۶	۲-۳-۵ نظریه علی
۱۵۲	۳-۳-۵ نظریه غایت‌شناسانه
۱۶۱	۴-۵ محتوای گسترده، محتوای محدود
۱۶۵	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۶۷	فصل ششم: اراده آزاد
۱۶۸	۱-۶ تقدیرگرایی و آزادی اراده
۱۷۴	۲-۶ موجبیت و اراده آزاد
۱۸۱	۳-۶ نگاه سلسله‌مراتبی به امیال انسانی
۱۸۵	۴-۶ طرفداران «آزادی اراده»
۱۸۶	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۸۷	فهرست منابع

مقدمه

ذهن و ماهیت آن همواره برای مؤلفان این کتاب موضوعی جذاب و درخور توجه بوده است. اما صرف جذابیت موضوع دلیلی برای نوشتن کتاب نیست. تأملات فلسفی دربارهٔ ذهن و آگاهی، با آنکه تا حدودی در سنت پیشینیان ما به چشم می‌خورد، در روزگار ما نه در دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی جدید طرفدار دارد و نه بازماندگان سنت فلسفهٔ اسلامی آن را جدی می‌گیرند. فلسفهٔ ذهن یا در ایران تدریس نمی‌شود یا آنچه تدریس می‌شود با عناوین و مباحث پذیرفته‌شده و جافتاده همخوانی ندارد. شاید این وضعیت انگیزهٔ نگارش این کتاب بوده است.

فلسفهٔ ذهن از جذابترین شاخه‌های فلسفه است که آشنایی با آن برای دانشجویان فلسفه، روان‌شناسی، علوم شناختی و بسیاری رشته‌های دیگر ضروری است. متأسفانه زبان فارسی از حیث برخورداری از کتابهای تألیفی مفید و آموزشی در این زمینه فقیر است، هرچند خوشبختانه چندسالی است مترجمان به ترجمهٔ متون درسی فلسفهٔ ذهن پرداخته‌اند. با وجود این، جای کتابی تألیفی در این میان خالی است. و از این رو مؤلفان تصمیم گرفتند که متنی آموزشی برای دانشجویان و علاقه‌مندان به فلسفهٔ ذهن فراهم کنند. بدیهی است که کتاب حاضر به هیچ وجه جامع نیست و چنین ادعایی نیز ندارد. کتاب درس‌نامه‌ای گزینشی برای آشنایی با برخی مباحث اصلی است و علاقه‌مندان باید با

رجوع به منابع دست اول، مباحث تخصصی تر را به زبان اصلی پیگیری کنند. نویسندگان در اغلب موارد بنا را بر ایجاز، البته نه از نوع مخل آن، گذاشته‌اند و از تفصیل مطلب پرهیز کرده‌اند. امید است چنین ایجازی استقلال و روانی کتاب را از میان نبرده باشد. متن کتاب به شیوه‌ای خودآموز نگاشته شده و تلاش بر این بوده است که در آن از ارجاعهای غیر ضروری و ذکر اسامی و اصطلاحات پیچیده اجتناب شود. امیدواریم متنی راحت و خوش خوان در اختیار خوانندگان قرار داده باشیم.

نگارش این کتاب در دورانی پرتنش شکل گرفت. اما گفتگوها، انتقادات و پرسشهای بسیاری از استادان، دوستان و دانشجویان، به گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم، سبب شد تا در نهایت متن شکلی نسبتاً مطلوب و قابل عرضه بیابد. مؤلفان نخستین بار از طریق درسهای مرحوم دکتر علی‌آبادی با فلسفه‌ورزی و دقتهای فلسفی آشنا شدند. پس از آن، در ادامه تحصیلات خود مباحث فلسفه ذهن را از زبان معلمانی چون پیتز لیتون، جسیکا براون، فین اسپایسر، جاناتان لُو و سوفی گیب آموختند. لاله قدک‌پور و مهدی ابروش نسخه اولیه کتاب حاضر را خواندند و برای بهبود آن پیشنهادهایی مفید عرضه کردند. مؤلفان خود را وامدار محبتهای تمامی این افراد، از معلمانشان تا خوانندگان نسخه اولیه کتاب، می‌دانند. همچنین مؤلفان مایل‌اند مراتب تشکر ویژه خود را از سایر نویسندگان در مجموعه حاضر و نیز جناب آقای لطف‌الله ساغروانی، مدیر محترم انتشارات هرمس، بابت همکاریها و الطافشان ابراز کنند.

از خوانندگان استدعا داریم با بیان انتقادات و پیشنهادهای خود نویسندگان را از خطاهای متن آگاه سازند.

امیر احسان کرباسی‌زاده

استادیار و عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

حسین شیخ‌رضایی

استادیار و عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

فصل اول

چشم‌اندازها و پرسشهای فلسفه ذهن

۱-۱ فلسفه ذهن

قطعاً بارها چنین جملاتی را شنیده‌اید: فلان مطلب در ذهنش نمی‌رفت، ذهنش دیگر یاری نمی‌کرد، درگیری ذهنی شدیدی برایش ایجاد شد و ... «ذهن» آشکارا نقشی محوری در زندگی ما دارد و کاوش در ماهیت و حالات آن به فهم بسیاری از وجوه حیاتمان کمک می‌کند. اهمیت ذهن در فعالیتهای خودآگاه و ناخودآگاه، احساسات، عواطف، حافظه و تفکر انکارناشدنی است. کتاب حاضر درباره «ذهن» و بررسی فلسفی آن است، چیزی که «فلسفه ذهن» نامیده می‌شود.

فلسفه ذهن چیست؟ بهتر است برای پاسخ، از پرسشهایی که در فلسفه ذهن مطرح می‌شوند آغاز کنیم. پرسش اساسی در فلسفه ذهن درباره چیستی «ذهن» است: «ذهن» چیست؟ این پرسش بسیار ابتدایی به نظر می‌رسد و نیازمند وضوح و تدقیق است. می‌توان پرسید که منظور از «ذهن» کدام است: ذهن انسان، حیوان، یا هر دو؟ اگر منظور ذهن انسان باشد، بدیهی است در پاسخ به سؤال بالا باید ویژگیهای «انسان» را، به عنوان موجودی محصول فرآیند طولانی تکامل، در نظر داشت. اما شاید محدود کردن

ذهن به انسان با روح تعمیم فلسفی در تعارض باشد. فیلسوف ذهن می‌خواهد بداند که معیار ذهنی بودن، به شکل کلی، چیست. بنابراین، پرسش اولیه را می‌توان به صورت زیر مطرح کرد: ذهن، برای هر موجودی که بتواند ذهن داشته باشد، چیست و چنین هویتی چه ویژگی‌هایی دارد؟

اکنون در پی این سؤال پرسشهای دیگری نیز مطرح می‌شوند. آیا ذهن جوهری متمایز از جسم است که صفات و ویژگی‌هایی متفاوت با ویژگی‌های فیزیکی دارد، یا اینکه ذهن هر موجود چیزی فراتر از مغز نیست؟ اگر ذهن همان مغز باشد، باید تمام خواصی را که برای ذهن قائلیم برای مغز نیز قائل باشیم. به عنوان نمونه، ذهن هویت و امری خودآگاه است. اکنون سؤال این خواهد بود که چگونه آرایه و نظامی فیزیکی می‌تواند خودآگاه باشد. علاوه بر این، چگونه می‌توان این نکته ساده را تبیین کرد که باورها و سایر حالات ذهنی اغلب «درباره» چیزهایی در جهان خارج‌اند و شأن بازنمایاننده دارند. باور من به اینکه «مسجد امام خمینی در اصفهان است» باوری است «درباره» مسجدی در اصفهان. این باور راجع به هویتی است خارج از ذهن من. اکنون اگر ذهن همان مغز باشد، سؤال این خواهد بود که چگونه مغز، به عنوان شیئی فیزیکی، می‌تواند «درباره» جهان باشد و حالات جهان را بازنمایی کند.

از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که ذهن در انجام اعمال فیزیکی دخیل است. به عنوان نمونه، درد در ساعد دست چپ من منجر به این می‌شود که من در بازی والیبال بیشتر از دست راستم استفاده کنم. پرسش مهم دیگر در فلسفه ذهن ناظر به همین تعامل علی میان ذهن و بدن است: چگونه حالات ذهنی علت به وجود آمدن حالات فیزیکی می‌شوند؟ چگونه باور من به اینکه ورزش برای

چشم‌اندازها و پرسشهای فلسفه ذهن ۵

حفظ سلامتی مفید است و آرزوی من مبنی بر داشتن بدن سالم باعث ورزش کردن من می‌شود، اما درد دست سبب می‌شود که یکی از دستهایم را در ورزش به کار نگیرم؟ از سوی دیگر، در بسیاری موارد حالات فیزیکی علت ایجاد حالات ذهنی‌اند. فرورفتن سوزن در نوک انگشت من علت ایجاد حالت ذهنی درد است. چنین تعاملهای علی را چگونه باید توضیح داد؟

سرانجام، به عنوان آخرین نمونه، بد نیست به مسئله اختیار اشاره کنیم. همه ما این تجربه را داشته‌ایم که میان انجام چند عمل آگاهانه مردد مانده‌ایم و در نهایت تصمیم به انجام یکی گرفته‌ایم، در حالی که به آسانی می‌توانستیم عمل دیگری را انتخاب کنیم. از نظر بسیاری از فلاسفه، چنین واقعیتی بیانگر اختیار است. در اینجا پرسش اساسی این است که آیا ما واقعاً موجوداتی مختاریم و اگر چنین است آیا می‌توان اختیار را با یگانگی ذهن و مغز آشتی داد. مغز به عنوان نظامی فیزیکی تحت سیطره و شمول قوانین تحلف‌ناپذیر فیزیکی است که بسختی می‌توان در آنها جایی برای اختیار و اراده آزاد یافت.

پرسشهای بالا در فلسفه ذهن طرح می‌شوند و کار فیلسوف ذهن تلاش مجددانه برای پاسخ‌گویی به آنهاست. این پرسشها از دیرزمان ذهن بشر و فیلسوفان را به خود مشغول کرده‌اند و تا امروز نیز با ما هستند. واقعیت این است که، همچون بسیاری دیگر از پرسشهای فلسفی، پاسخهای ارائه‌شده به این پرسشها لزوماً کامل و برای همه قانع‌کننده نیستند.

چه نیازی به فلسفه ذهن داریم؟ نخستین دلیل برای پرداختن به فلسفه ذهن جایگاه آن در مباحث فلسفی است. دیرزمانی است که مباحث فلسفه ذهن جایگاهی اساسی در فلسفه یافته‌اند. اگر زمانی

«فلسفه زبان» محور مسائل فلسفی بود، امروزه به باور بسیاری فلسفه ذهن چنین جایگاهی را از آن خود کرده است. مثلی را در نظر بگیرید که جهان، ذهن و زبان سه رأس آن را می‌سازند. از منظری فلسفی می‌توان روابط میان این سه رأس را بررسی کرد. فیلسوف زبان عموماً از رأس زبان آغاز می‌کند و مدعی است که می‌توان جهان و ذهن را به کمک زبان و مقولات آن بهتر فهمید. از نظر او، تحلیل زبان و تأمل در ماهیت آن می‌تواند نکات مفیدی درباره جهان و ذهن به ما بگوید. اما فیلسوف ذهن اولویت را به ذهن می‌دهد. از نظر او، تأمل در ماهیت ذهن می‌تواند نکاتی را در باب جهان و زبان بر ما آشکار کند.

دلیل دیگر برای اهمیت یافتن فلسفه ذهن پیشرفتهای جدید در علوم شناختی است. علوم شناختی پروژه‌ای در حال پیشرفت است که عملاً از دهه پنجاه قرن بیستم میلادی آغاز و نام آن در دهه هفتاد تثبیت شد. گرچه این شاخه از علم هنوز در ابتدای راه خود قرار دارد، پژوهشها و نظریه‌پردازی‌های چشمگیری در آن صورت گرفته است. موضوع علوم شناختی مطالعه علمی و تجربی ذهن، بویژه قابلیت‌های «شناختی» آن، است. در این رشته علمی، فعالیت‌هایی مانند تفکر، ادراک، یادآوری، احساس، استدلال و روندهای ناآگاهانه شناختی بررسی می‌شوند. پرسشهایی از این دست که ذهن چگونه کار می‌کند و مغز چگونه انواع فعالیت‌های شناختی را اجرا و مدیریت می‌کند از جمله پرسشهایی هستند که در این رشته بررسی می‌شوند. بدیهی است که داده‌ها و نظریه‌های علوم شناختی برای پاسخ به پرسشهای فلسفی درباره ذهن اهمیت بسیاری دارند. همان‌گونه که هر نظریه فلسفی درباره ماهیت زمان و مکان از نظریه‌های فیزیکی درباره این دو موضوع بی‌نیاز نیست،

چشم‌اندازها و پرسشهای فلسفه ذهن ۷

هر نظریه فلسفی در باب ماهیت ذهن هم که واقعیت‌های تجربی درباره ذهن و قوای شناختی انسان را نادیده بگیرد سست و لرزان خواهد بود. از سوی دیگر، بسیاری از نظریه‌پردازی‌ها در علوم شناختی نیازمند اتخاذ موضعی فلسفی درباره ذهن و ماهیت آن‌اند. این دو رشته، در بسیاری موارد همپوشانی موضوعی و محتوایی دارند و پیشرفت یکی سبب تغییرات در دیگری خواهد شد. اکنون اجازه دهید به پرسش اصلی فلسفه ذهن بازگردیم: ذهن چیست، معیار ذهنی بودن کدام است و چه چیز پدیده‌ای را ذهنی می‌کند؟ پیش‌فرض این سؤال البته این است که تمام پدیده‌های ذهنی وجه مشترکی دارند، چرا که در غیر این صورت ارائه معیاری واحد برای تحلیل آنها غیرممکن خواهد بود. ما در اینجا این امکان را که پدیده‌های ذهنی چنان متفرق و ناهمگون‌اند که نمی‌توان همه آنها را با معیاری واحد یا مجموعه‌ای از معیارها زیر چتری گرد آورد غریب و نامحتمل تلقی می‌کنیم.

۱-۲ معیار ذهنیت^۱

یافتن معیاری که پدیده‌های ذهنی را از سایر پدیده‌ها مجزا کند بسیار دشوار است. هرچند برخی معیارها در متمایز کردن دسته خاصی از پدیده‌های ذهنی موفق از کار درآمده‌اند، دادن «یک» معیار یا حتی «دسته‌ای» از معیارها که همه حالات گوناگون و متنوع ذهنی را متمایز کند کاری آسان نیست. در این بخش، به چهار ملاک پیشنهادی اصلی برای تمایز حالات و پدیده‌های ذهنی از حالات و پدیده‌های غیرذهنی اشاره خواهیم کرد.

1. mark of mentality